

# عوامل تاریخی توسعه نیافتگی

## در ایران

■ نوشته: دکتر سیاوش گلابی مسئول گروه جامعه‌شناسی در دانشگاه آزاد اسلامی

### ۱- عوامل تاریخی توسعه نیافتگی

از قرون اولیه میلادی تا قرن ۱۶ همه کشورهای جهان، وضع کم و بیش مشابهی داشته‌اند؛ از جمله: تولید اندک مبتنی بر صنایع دستی، سازمان و مدیریت سنتی، سطح نازل فکری و علمی و فنی.

در اواخر این دوران که مصادف بود با حکومت صفویان، اقتصاد جامعه ایران در قالب روابط اولیه نظام سوداگری تجاری، از رونق و شکوفائی خاصی برخوردار بود.

متأسفانه این رشد نسبی دیری نپائید و در زمانی که کشورهای اروپای غربی مراحل آغازین رشد سرمایه‌داری و صنعتی شدن را سپری می‌کردند، به دنبال سقوط دولت مرکزی صفویه (قرن ۱۸ میلادی) قریب هفتاد سال جامعه ایران گرفتار هرج و مرج سیاسی و ناامنی اجتماعی (در اثر جنگهای افشاریه و زندیه) گردید.

در پی این اوضاع نابسامان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی (و درآستانه به قدرت رسیدن قاجارها)، از آن همه شکوه و عظمت پیشین ایران (که به حق یکی از تمدنهای کهن جامعه بشری به حساب می‌آید) هیچ اثری باقی نماند و این کشور منظر یک جامعه عقب مانده و قرون وسطایی را به ذهن متبادر می‌ساخت.

در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ میلادی، در اثر ضعف اقتصادی، ناامنی اجتماعی، فقر و محرومیت و سطح نازل فرهنگی (در سایه استبداد شاهنشاهی با دو خصیصه خدعه و زور) از یکسو، و رشد اقتصادی صنعتی اروپای غربی (که در پی بازارهای مناسب برای فروش کالاهای خود و تأمین مواد اولیه و منابع طبیعی برای صنعت بود) از دیگر سو، شرایط مساعدی برای

تکوین نطفه‌های «توسعه نیافتگی جامعه ایران» فراهم آمد. بنابراین، دو عامل اساسی: استبداد داخلی و استعمار خارجی اصلی‌ترین عوامل توسعه نیافتگی ایران محسوب می‌شود. در تحلیلهای کلاسیک از مراحل اولیه رشد سرمایه‌داری در جهان غرب به خصوصیات ذیل اشاره می‌گردد:

- + رشد سرمایه تجاری و شکل‌گیری بازار ملی؛
- + تأمین امنیت اجتماعی برای تکامل سرمایه (بدون رادع و مانع خارجی)؛
- + سلطه اقتصاد بازار آزاد و تحکیم پایه‌های سیاسی - حقوقی بورژوازی؛
- + انباشت سرمایه و سوق سرمایه متراکم شده به سمت تولیدات صنعتی؛
- + رشد بخش صنایع سرمایه‌ای و تکامل اقتصاد صنعتی.

در یک نگرش تطبیقی، وجه عمده تفاوت کشورهای جهان سوم در دو قرن اخیر با جهان غرب، این نکته اساسی است که شرایط فوق در جهان سوم عینیت نیافته است. برای مثال، رژیمهای استبدادی ماقبل سرمایه‌داری در قالب اشرافیت فئودالی - عشیره‌ای در کشورهای جهان سوم (مانند ایران) تا قرن جاری تداوم یافته و خود به عامل بازدارنده پویایی نظامهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این جوامع بدل شده است؛ حال آنکه در اروپای غربی (تحت مکانیسم درونی) در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی بساط حکومت اشراف فئودال برچیده شد و راه برای رشد نظام سوداگری هموار گردید.

در مقابل فراگرد تاریخی در شرق، سرمایه‌داری در غرب موفق شد خصوصیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را در کشورهای اروپایی

در سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی پیروز شد، تعداد کل کارگاههای صنعتی کشور در حدود ۲۵۰ هزار واحد بود که تقریباً ۹ هزار واحد آن را کارگاههایی با بیش از ۹ نفر شاغل تشکیل می داد.

جمعیت کشور در سال ۱۳۳۵، ۱۸/۹ میلیون نفر بود که در حدود ۶/۰۷ میلیون نفر از آنان فعال (در سن اشتغال) بودند: ۵/۹ میلیون نفر شاغل و ۱۶۰ هزار نفر بیکار. در سال ۱۳۵۵ جمعیت کشور به ۳۳/۷ میلیون نفر رسید: ۹/۸ میلیون نفر فعال (که ۸/۸ میلیون نفر شاغل و ۹۹۰ هزار نفر بیکار بودند). به عبارت دیگر، نسبت بیکاران به کل جمعیت فعال از ۲/۸ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۱۰/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت.

بیسوادی یکی از مهمترین شاخصهای تعیین کننده ضعف بنیادی هر نظام سیاسی - اقتصادی و فرهنگی است. از سال ۱۳۱۵ به بعد در ایران (ظاهراً) برنامه مبارزه با بیسوادی وجود داشته است. در سال ۱۳۴۵ از جمعیت ۲۵/۸ میلیونی ایران قریب ۱۸/۸ میلیون نفر در سنین آموزشی (۶ سال به بالا) قرار داشتند که فقط ۵/۵ میلیون نفر یعنی ۲۹/۴ درصد باسواد و ۷۰/۶ درصد بی سواد بودند. گرچه درصد افراد باسواد کشور در سال ۱۳۵۵ در حدود ۴۷ درصد گزارش شده، لیکن در همین مدت تعداد بیسوادان کشور افزایش یافته و از ۱۳/۳ میلیون نفر در سال ۴۵ به ۱۳/۸ میلیون نفر در سال ۵۵ رسیده است.

پدیده نامطلوب بیسوادی در مناطق روستایی به مراتب گسترده تر از مناطق شهری و در بین زنان فزون تر از مردان بوده است. در سال ۱۳۵۵ حدود ۵۵/۱ درصد زنان شهری و ۷۴/۴ درصد مردان شهری باسواد بوده اند، حال آنکه در همین سال فقط ۱۶/۵ درصد زنان روستایی سواد داشته اند و این نسبت در مردان روستایی ۴۲/۹ درصد گزارش شده است.

از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ هجری شمسی (دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی) به علت رشد جمعیت و افزایش تقاضای کالاهای مصرفی (که تأمین آن از توان نظام تولیدی کشور خارج بود) و بویژه بالا رفتن درآمدهای نفتی (که همچنین جذب آن در ظرفیت های اقتصادی - مادی و نیروی انسانی داخلی نمی گنجید) و به دلیل وابستگی سیاسی، صنعتی و تولیدی کشور به انحصارهای فراملیتی، موجبات پوشش دادن تقاضاهای رو به فزونی مردم (که در پی ترویج فرهنگ مصرفی غرب حدت و شدت خاصی یافته بود) از راه ایجاد کارخانه های مونتاژ کالاهای مصرفی و همچنین واردات مستقیم کالاهای خارجی فراهم گردید.

برخی از آثار منفی و ضدملی رژیم گذشته را بدین قرار می توان برشمرد:

- + گسترش بوروکراسی و دیوانسالاری خشن همراه با اختناق؛
- + تحکیم پایه های وابستگی صنایع کشور به خارج؛
- + ساختار نامتوازن اقتصادی (افزایش بخش خدمات و درهم ریختگی کشاورزی و تعمیق وابستگی صنعتی)؛
- + بودجه نفتی و وابستگی تأمین ارز داخلی به صدور آن؛
- + موازنه منفی در تجارت خارجی؛
- + گسترش نفوذ سرمایه خارجی و شرکتهای فراملیتی در کشور؛
- + ضعف بنیادی نظام آموزشی و پژوهشی و کمبود شدید نیروهای متخصص و ماهر؛
- + افزایش فاصله میان سطح زندگی در شهر و روستا - مهاجرت روستائیان و تراکم جمعیت در شهرها؛
- + توزیع نامتعادل درآمد ملی و گسترش فقر و محرومیت، بیکاری و ترویج فرهنگ مبتذل غربی و...

نظر به اینکه نفت مهمترین منبع درآمد ایران از آغاز قرن جاری به حساب می آید، لذا ارقام مربوط به فروش نفت به کشورهای خارجی، خود نمایانگر روند خروج این سرمایه اساسی از کشور و میزان وابستگی اقتصاد کشور به خارج می باشد.

تحکیم کند و در مرحله تکوین اقتصاد صنعتی (به اقتضای سرشت خود در کسب بازار، سلطه بر روابط تجاری و دریافت مواد اولیه و منابع طبیعی) به جهان سوم روی آورد و (مزید بر اهرمهای بازدارنده استبداد داخلی) موانعی بر سر راه رشد طبیعی و متعادل این جوامع ایجاد کند و آنها را به مسیرهای انحرافی (که نتیجه امروزی آن عقب ماندگی و وابستگی است) بکشاند.

تداوم حکومت استبدادی قاجارها و سیاست های استعماری غرب در جلوگیری از تکامل اقتصاد ملی ایران، پدیده های نامطلوب زیر را به بار آورد:

+ نابودی صنایع پیشه وری (که در نوع خود از مرغوبیت خاصی برخوردار بود)؛

+ انحراف مسیر حرکت سرمایه تجاری (به سمت خرید و فروش کالاهای خارجی)؛

+ تحریف شدن قشر بندی اجتماعی و سوق یافتن تجار به سوی خرید املاک و زمینهای زراعی و ظهور اقشار بورژوا - ملاک و ایجاد مصالحه و همزیستی مسالمت آمیز میان طبقات اجتماعی در کشور؛

+ تلفیق و امتزاج سرمایه های خارجی (با بخشی از سرمایه های تجاری داخلی) و شکل گیری هسته های اولیه بورژوازی کمپرادور (دلال و واسطه)؛

+ درهم ریزی ساختار اقتصاد کشاورزی بومی (و حتی افتادن کشاورزی در مسیر کالاهای مورد نیاز صنایع جوامع صنعتی غرب - مثلاً تغییر نوع کشت زمینهای زراعتی ویژه غلات که از نیازهای اساسی داخلی بود به کشت پنبه برای صنایع نساجی انگلستان و غیره)؛

+ تأسیس صنایع ماشینی (بطور عمده با سرمایه خارجی) و تحکیم پایه های اولیه توسعه نیافتگی جامعه ایران و وابستگی اقتصاد صنعتی مونتاژ کشور به جهان غرب (در زمینه ساختار تکنولوژی، مواد اولیه، لوازم یدکی، متخصصان خارجی و...) و گسترش فقر و محرومیت.

در نیمه دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن جاری به علت رشد نسبی آگاهی های سیاسی - اجتماعی: جنبشهای مختلفی (چون جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت) در ایران شکل گرفت، لیکن به سبب ضعف تشکیلاتی و قلت نیروهای انقلابی و نارسائیهای سیاسی (از جمله پراکندگی گروههای سیاسی - اجتماعی) هیچ يك از این خیزشها (تا سطح يك انقلاب تکامل یافته ملی - دموکراتیک) پیش نرفت و لذا پایه های وابستگی ایران به جهان صنعتی غرب (در اشکال آشکار و پنهان) همچنان تداوم یافت.

## ۲- روند صنعتی شدن ایران (در رژیم گذشته)

از آغاز قرن بیستم میلادی به این سو، ایران در قالب سیاستهای استراتژیک قدرتهای صنعتی - نظامی غرب (در مسیر وابستگی به کشورهای صنعتی) يك رشته تغییر و تحولات در عرصه های صنعتی، اقتصادی و فرهنگی را تجربه کرده است:

از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۱ (برابر با ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی) حدود ۶۸۰ کارخانه (با قریب ۴۵ هزار شاغل) در بخش صنایع مصرفی در ایران تأسیس شد (به منابع و مأخذ شماره ۱۰، ۱۴ و ۱۵ مراجعه شود).

از نیمه دوم قرن جاری میلادی (با نشستن تدریجی نفوذ آمریکا به جای نفوذ سنتی انگلیس) به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و با مساعد شدن شرایط نفوذ قدرت های جدید اقتصادی (چون آلمان و ژاپن) گسستگی ساختار اقتصاد صنعتی کشور و وابستگی آن به جهان صنعتی عمیقتر گردید.

## شرکت‌های خارجی موجود در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۴۳

دوره		سرمايه		درصد تغییر نسبت به دوره قبل - شاخص ۱۰۰-۱۳۱۰	
تعداد	میلیون ریال	تعداد	سرمايه	تعداد	سرمايه
۱۳۱۰-۱۳۱۴	۸۹	۲۱,۵۸۹	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
۱۳۱۵-۱۳۱۹	۱۰۴	۲۳,۲۹۹	۷/۹	۱۱۶/۹	۱۰۷/۹
۱۳۲۰-۱۳۲۴	۱۰۷	۲۴,۲۹۱	۴/۳	۱۲۰/۲	۱۱۲/۵
۱۳۲۵-۱۳۲۹	۱۱۲	۲۳,۸۳۲	۱/۹	۱۲۵/۸	۱۱۰/۴
۱۳۳۰-۱۳۳۴	۱۵۳	۳۱,۴۸۹	۳۲/۱	۱۷۱/۹	۱۴۵/۹
۱۳۳۵-۱۳۳۹	۲۸۱	۱۱۴,۲۸۴	۲۶۲/۹	۳۱۵/۷	۵۲۹/۴
۱۳۴۰-۱۳۴۳	۳۱۵	۸۵۵,۸۲۱	۶۴۸/۹	۳۵۳/۹	۳,۹۶۴/۲

مأخذ: بانک مرکزی ایران، اداره آمارهای اقتصادی، آمار ثبت و انحلال شرکت‌ها.

## ۳- ساختار صنعت در جمهوری اسلامی ایران:

به دنبال جنبش مردمی در قالب ارزشهای اسلام انقلابی و سقوط نظام فرتوت شاهنشاهی، جمهوری اسلامی ایران تحقق پذیرفت. بدون تردید انقلاب اسلامی ۵۷ در تحولات اقتصادی و سیاسی منطقه و جهان و در هم‌ریزی معادلات بین‌المللی قدرتهای استعماری و دگرگونی چارچوب‌های ژئوپولیتیک دهه‌های پایانی قرن جاری آثار شگرفی برجای نهاده است.

در نتیجه سیاستهای ارتجاع منطقه و امپریالیسم جهانی، جمهوری نوپای اسلامی با يك رشته تنگناها روبرو شد که مهمترین آنها عبارت بود از:  
۱- جنگ فرسایشی تحمیلی به مدت ۸ سال که لطمات اقتصادی فراوان (از قبیل نابودی بخش وسیعی از شهرها و روستاها و تأسیسات مهم اقتصادی و صنعتی) و شهادت گروههای وسیعی از نیروهای انقلابی جامعه را در پی داشت.

۲- اعمال يك سیاست دقیق فشار و تحریم‌های بازرگانی و اقتصادی از جانب نیروهای امپریالیستی (بویژه آمریکا و برخی دول غربی) و ایادی منطقه‌ای آنها.

۳- درگیری و اشتغال فکری دولتمردان به امور جنگ و تبعات منفی آن و عدم امکان برنامه‌ریزی در جهت رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی.

۴- خروج طیف وسیعی از مدیران، تکنوکرات‌ها و متخصصان از کشور.

۵- ملی شدن بخش وسیعی از صنایع و سازمانهای خدماتی و سپردن آنها به بخش دولتی (یا ارگانها و سازمانهای انقلابی) و تبدیل ماشین اداری بازمانده از نظام پیشین به عنصری ایستا، پر هزینه و با بهره‌وری نازل.

در کنار عوامل فوق باید به افزایش پرشتاب جمعیت، کاهش تولید ملی، تورم و گرانی و... اشاره کرد.

باتوجه به وقایع و پدیده‌های یادشده، بخش قابل ملاحظه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌های مادی و انسانی ایران هدررفت و در جهت رشد و توسعه جامع کشور به کار نیفتاد.

از دیدگاه نظری و آکادمیک، اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را باید نخستین گام در راستای تدوین نظام برنامه‌ریزی ملی پس از انقلاب تلقی کرد. گرچه از سال ۱۳۲۷ به این سو مقوله برنامه‌ریزی در ایران مطرح بوده، لیکن هیچ يك از پنج برنامه عمرانی در رژیم گذشته را نمی‌توان برنامه‌ریزی جامع به حساب آورد (در این مقال کوتاه

از سال ۱۹۱۲ (۱۲۹۲ شمسی) تا ۱۹۳۳ (۱۳۱۳ شمسی) استخراج نفت ایران توسط شرکت نفت انگلیس و ایران ۱۵۰ برابر افزایش یافت. (از ۴۳۷۷۵ متریک تن به ۶۵۴۹۲۴۴ متریک تن) و درآمد دولت ایران در این مدت ۳ برابر شد و به رقم ۱۳/۸ میلیون لیره بالغ گشت. (مأخذ شماره ۱۰ و جدول‌های بانک مرکزی)

به دنبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چهار شرکت خارجی (آمریکائی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی) تحت عنوان کنسرسیوم و از سال ۱۳۵۲ کنسرسیوم دوم (با شرکت ۲۸ شرکت خارجی) خریداران نفت ایران بودند. از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ قریب ۱۰/۵ میلیارد بشکه نفت از ایران صادر شد، حال آنکه از ۱۲۹۶ تا ۱۳۵۲ شمسی کلاً ۱۶/۶ میلیارد بشکه نفت از کشور صادر شده بود که این خود سرعت تخلیه منابع نفتی ایران توسط شرکتهای انحصاری امپریالیستی را به روشنی نشان می‌دهد.

ارقام و اعداد جدول‌های زیر تصویری دقیق از نفوذ سرمایه‌های خارجی در زندگی اقتصادی ایران و نقش شرکتهای بین‌المللی در چپاول ثروت ملی کشورمان و انتقال مازاد اقتصادی ایران به کشورهای غربی ارائه می‌کند.

## شرکت‌های خارجی کشورهای مهم صنعتی بین سال‌های ۱۳۱۰-۴۲

(سرمايه به میلیون ریال)

دوره	آلمان		انگلستان		ایالات متحده آمریکا		فرانسه		ژاپن	
	تعداد سرمايه	تعداد سرمايه	تعداد سرمايه	تعداد سرمايه	تعداد سرمايه	تعداد سرمايه	تعداد سرمايه	تعداد سرمايه	تعداد سرمايه	
۱۳۱۰-۱۳۱۴	۸	۲۷۲۳	۲۸	۸۸۳۰	۴	۳۱	۱۷	۱	۴۷۴	
۱۳۱۵-۱۳۱۹	۱۴	۲۸۸۹	۳۰	۸۶۰۱	۸	۴۲۰	۱۹	۲	۱۰۱۵	
۱۳۲۰-۱۳۲۴	۱۴	۲۸۸۹	۳۲	۹۱۴۸	۹	۶۷۳	۱۹	۲	۱۰۱۵	
۱۳۲۵-۱۳۲۹	۱۴	۲۸۸۹	۳۲	۹۵۳۱	۱۰	۶۷۳	۲۳	۲	۱۰۱۵	
۱۳۳۰-۱۳۳۴	۱۶	۲۸۹۳	۳۶	۹۵۹۷	۲۸	۷۶۱۹	۱۰۹	۲	۱۰۱۵	
۱۳۳۵-۱۳۳۹	۲۲	۸۴۱۵	۵۶	۶۰۵۷۰	۴۴	۹۱۹۶	۳۳	۳	۱۲۵	
۱۳۴۰-۱۳۴۲	۲۴	۸۵۶۹	۵۹	۶۰۸۲۲	۵۳	۹۵۱۶	۳۶	۳	۱۰۲۵	

مأخذ: بانک مرکزی ایران، اداره آمارهای اقتصادی.

## سرمایه‌گذاری‌های خصوصی خارجی در ایران در سال‌های ۱۹۵۶-۷۴ میلادی

کشور	تعداد عملیات	سرمایه به میلیون ریال
ایالات متحده آمریکا	۴۳	۵۷۱۱
آلمان غربی	۲۳	۱۶۶۹
ژاپن	۲۳	۲۷۳۷
انگلستان	۲۰	۳۴۷
سوئیس	۱۳	۱۳۶۰
فرانسه	۱۲	۵۴۷
شرکت‌های مختلط	۱۷	۱۴۳۵
کشورهای دیگر*	۳۲	۱۴۲۳
جمع کل	۱۸۳	۱۵۲۲۷

مأخذ: دیکتاتور و توسعه - فرد هالیدی - محسن یلفانی  
\* تعداد عملیات کشورهای دیگر: ایتالیا و دانمارک هر کدام ۵، سوئد و هلند هر کدام ۴، بلژیک و لوگزامبورگ هر کدام ۳، و اسرائیل ۲. مأخذ:

Iran: Past, Present and Future

مجال پرداختن به این برنامه‌ها وجود ندارد.

برنامه اول توسعه، اصلاح ساختار تولید در جهت افزایش مستمر سهم کالاهای صنعتی سرمایه‌ای در تولیدات و اتکای بیشتر تولید صنعتی به منابع داخلی و حرکت در جهت توسعه صادرات را مورد تأکید قرار داد.

با توجه به توضیحاتی که پیشتر بیان شد، اقتصاد صنعتی کشورهای جهان سوم از پایه و اساس نیازمند دگرگونی است. ضعف ساختاری صنایع این جوامع اقتضا می‌کند که در درجه اول یک استراتژی جامع توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در چارچوب یک نظام برنامه‌ریزی هدفمند داشته باشند و در هسته مرکزی چنین اهداف درازمدت و دورنگری، برنامه‌های مشخص و دقیقی به منظور اصلاح ساختار اقتصاد صنعتی (بعنوان مکانیسم اصلی پویایی کل جامعه) تدوین گردد و به اجرا درآید.

ویژگیهای هر اقتصاد صنعتی، معمولاً از دیدگاههای مختلف به شرح ذیل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد:

- از نظر ترکیب تولید صنعتی و ماهیت صنایع (در گروههای سه‌گانه صنایع سرمایه‌ای، صنایع واسطه‌ای و صنایع مصرفی).

- ساختار نیروی انسانی و میزان سرمایه انسانی در بخش صنعت.

- ساختار تکنولوژیک صنعت و میزان کاربری یا سرمایه‌بری آن.

- بهم پیوستگی حلقه‌های درونی هر صنعت و کل صنایع طبقه‌بندی شده بین‌المللی.

- دستاوردهای علم، تحقیق و توسعه و جنبه‌های نظری و علمی صنعت.

- جایگاه صنعت و میزان تولیدات صنعتی در کل تولید ناخالص ملی و...

## ویژگیها و تحلیل تطبیقی صنعت ایران:

به منظور شناخت بهتر ویژگیهای اقتصاد و صنعت ایران، مقایسه وضع ایران با سایر کشورهای جهان ضروری به نظر می‌رسد.

ارقام ذیل ویژگیهای ایران و چند کشور دیگر را در سال ۱۹۸۷ نشان می‌دهد:

- ایران: جمعیت ۵۱ میلیون نفر - تولید ناخالص داخلی ۱۹۷ میلیارد دلار - تولید سرانه ۳۸۵۳ دلار;

- ژاپن: جمعیت ۱۲۲ میلیون نفر - تولید ناخالص داخلی ۲۲۷۳ میلیارد دلار - تولید سرانه ۱۹۴۷۱ دلار;

- فرانسه: جمعیت ۵۵ میلیون نفر - تولید ناخالص داخلی ۸۸۱ میلیارد دلار - تولید سرانه ۱۵۸۵۴ دلار;

- انگلیس: جمعیت ۵۷ میلیون نفر - تولید ناخالص داخلی ۶۸۸ میلیارد دلار - تولید سرانه ۱۲۰۷۰ دلار.

امروزه بخش صنعت (که برپایه علوم و تکنولوژی مدرن استوار است) موتور اصلی تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری به حساب می‌آید. آمار مربوط به کل تولیدات صنعتی (و سهم آن در تولید ناخالص داخلی) و سهم صنایع تولیدی و اساسی در کل تولیدات صنعتی، از شاخصهای مهم ساختار اقتصاد صنعتی و توانمندی اقتصادی جوامع محسوب می‌شود.

در سال ۱۹۸۷ سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی در کشورهای صنعتی پیشرفته - کشورهای در حال صنعتی شدن و ایران به قرار زیر بوده است:

- ژاپن: کل تولیدات صنعتی نسبت به تولید ناخالص داخلی ۳۳ درصد -

صنایع تولیدی ۲۹ درصد;

- آلمان: کل تولیدات صنعتی نسبت به تولید ناخالص داخلی ۳۳ درصد -

صنایع تولیدی ۲۹ درصد;

- فرانسه: کل تولیدات صنعتی نسبت به تولید ناخالص ۳۵ درصد - صنایع

تولیدی ۲۲ درصد;

- انگلستان: کل تولیدات صنعتی نسبت به تولید ناخالص داخلی ۲۷

درصد - صنایع تولیدی ۲۲ درصد;

- ترکیه: کل تولیدات صنعتی نسبت به تولید ناخالص داخلی ۳۲ درصد -

صنایع تولیدی ۲۶ درصد;

- کره جنوبی: کل تولیدات صنعتی نسبت به تولید ناخالص داخلی ۳۵

درصد - صنایع تولیدی ۳۰ درصد;

- چین: کل تولیدات صنعتی نسبت به تولیدات ناخالص داخلی ۴۶

درصد;

- پاکستان: کل تولیدات صنعتی نسبت به تولیدات ناخالص داخلی ۲۰

درصد - صنایع تولیدی ۱۶ درصد;

- تایلند: کل تولیدات صنعتی نسبت به تولید ناخالص داخلی ۳۰ درصد -

صنایع تولیدی ۲۴ درصد;

- مکزیک: کل تولیدات صنعتی نسبت به تولید ناخالص داخلی ۳۰

درصد - صنایع تولیدی ۲۵ درصد;

- سنگاپور: کل تولیدات صنعتی نسبت به تولید ناخالص داخلی ۳۱

درصد - صنایع تولیدی ۲۹ درصد;

- بنگلادش: کل تولیدات صنعتی نسبت به تولید ناخالص داخلی ۸

درصد - صنایع تولیدی ۸ درصد;

- ایران: کل تولیدات صنعتی نسبت به تولید ناخالص داخلی ۸ درصد -

صنایع تولیدی ۱۲/۷ درصد.

رابطه بنیادی و منطقی بین بخشهای سه‌گانه (صنایع سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی) از مهمترین روشهای تحلیل ساختاری صنعت هر کشور محسوب می‌شود. طبق آمار و ارقام برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران، سهم متوسط تولید سالیانه صنعت در سالهای ۶۷-۱۳۶۲ به ترتیب: صنایع سرمایه‌ای ۶ درصد، واسطه‌ای ۶۵/۲ درصد و مصرفی ۲۸/۸ درصد بوده است.

سهم ناچیز صنایع سرمایه‌ای (۶ درصد) که به عنوان صنایع استراتژیک و زیربنایی تلقی می‌شود نشانگر ضعف شالوده‌ها و بنیان‌های اساسی صنعت کشور است. در چنین وضعی صنایع واسطه‌ای و صنایع مصرفی ارتباط ارگانیک با صنایع سرمایه‌ای ندارد و برای تأمین نیازهای خود به خارج از کشور متکی است. قابل ذکر است که نسبت صنایع سنگین و سبک در کشورهای پیشرفته در سال ۱۹۸۰ به ترتیب برابر با ۶۷/۷ و ۳۲/۳ درصد بوده است که خود تفاوت فاحش صنعت ایران با جوامع صنعتی را نشان می‌دهد.

ارزش افزوده صنعت در طی برنامه اول توسعه کشور (۷۲-۱۳۶۸) به قرار زیر بوده است:

سال	هدف برنامه	عملکرد
۱۳۶۸	۱۱/۳ درصد	۶/۷ درصد
۱۳۶۹	۱۳ درصد	۲۹ درصد
۱۳۷۰	۱۳/۹ درصد	۱۸ درصد
۱۳۷۱	۱۵/۶ درصد	۰/۵ درصد

مأخذ: ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی و مجله مجلس و پژوهش منابع شماره‌های ۱۴ و ۱۵

علت افزایش ارزش افزوده صنعت در سالهای اولیه برنامه و کاهش فوق‌العاده آن در سال ۱۳۷۱ (۰/۵ درصد) این است که در سالهای ۶۸ تا ۷۰ از ظرفیت‌های بالقوه موجود (و حجم ارز تخصیص یافته) نهایت استفاده به

## تجزیه و تحلیل کسری تجارت صنعت و معدن

سال	واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و معدن	صادرات کالاهای صنعتی	صادرات کالاهای صنایع فلزی	صادرات کالاهای کانی فلزی	صادرات کل کالاهای صنایع فلزی و کانی فلزی	جمع صادرات صنعت و معدن (میلیون دلار)	کسری تجاری صنعت و معدن (میلیون دلار)	نسبت جمع واردات به صادرات	ارزش تولید کارگاههای صنعتی کشور (میلیارد ریال)	ارزش تولید معدن کشور (میلیارد ریال)	ارزش تولید صنعت و معدن (میلیارد ریال)	نسبت واردات کالاهای واسطه‌ای به ارزش تولید	ارز مورد نیاز برای ۱۰۰۰ ریال تولید (دلار)
۱۳۵۲	۲۳۳۷	۱۲۵۰	۲۲/۸	۱۷۷/۸	۲۱۵۹/۲	۲۲/۳۹	۲۱۳۲/۸	۵۱/۳	۲۱۸۲/۱	۵۱/۳	۲۱۸۲/۱	۱/۸۸۶	
۱۳۵۵	۲۷۷۲	۱۵۲/۶	۱۰/۲	۱۶۲/۸	۲۶۱۰/۲	۲۹/۳۲	۲۵۷۹	۶۲	۲۶۴۳	۶۲	۲۶۴۳	۱/۸۰۶	
۱۳۵۶	۵۶۷۹	۱۲۵/۶	۲۶/۶	۱۸۲/۲	۵۲۹۶/۸	۲۱/۱۷	۲۸۱۷/۳	۶۸/۳	۲۸۸۵/۶	۶۸/۳	۲۸۸۵/۶	۱/۹۶۸	
۱۳۵۷	۲۹۱۹	۱۶۲	۱۰/۹	۱۷۳/۹	۲۷۲۵/۱	۲۲/۵۲	۲۵۱۷/۲	۶۳/۲	۲۵۸۰/۲	۶۳/۲	۲۵۸۰/۲	۱/۵۱۹	
۱۳۵۸	۲۸۷۲	۶۶۲	۲۰/۶	۸۷	۲۷۸۵	۲۶/۵۱	۲۱۱۶/۱	۵۹/۱	۲۱۷۵/۲	۵۹/۱	۲۱۷۵/۲	۱/۸۸۰	۲/۰۳۸۰۳
۱۳۵۹	۲۵۸۰	۲۲	۱۹/۵	۲۳/۵	۲۵۳۶/۵	۱۰۰/۲۹	۲۲۰۲/۱	۶۱/۸	۲۲۶۵/۹	۶۱/۸	۲۲۶۵/۹	۲/۰۲۱	
۱۳۶۰	۶۱۸۹	۱۳/۲	۵	۱۸/۲	۶۱۷۰/۸	۲۴۰/۵	۳۳۹۵/۴	۶۴/۲	۲۲۵۹/۶	۶۴/۲	۲۲۵۹/۶	۲/۵۱۶	
۱۳۶۱	۵۲۲۱	۲۱/۳	۷/۱	۲۸/۲	۵۲۹۲/۶	۱۸۷/۳۶	۲۲۸۸/۳	۷۷/۱	۲۳۶۵/۴	۷۷/۱	۲۳۶۵/۴	۱/۵۸۱	
۱۳۶۲	۸۲۱۹	۳۶	۱۲/۵	۲۸/۵	۸۳۸۰/۵	۲۱۸/۶۸	۲۵۷۵/۲	۸۴/۵	۲۶۵۹/۹	۸۴/۵	۲۶۵۹/۹	۳/۱۶۵	
۱۳۶۳	۶۰۶۵	۲۷/۳	۲۸/۸	۶۶/۱	۵۹۹۸/۹	۹۱/۸۵	۲۸۸۸/۵	۸۸/۴	۲۹۷۶/۹	۸۸/۴	۲۹۷۶/۹	۲/۰۲۷	
۱۳۶۴	۵۵۷۰	۶۴	۳۰	۹۲	۵۲۷۶	۵۹/۳۶	۲۸۳۲/۱	۸۶	۲۹۲۰/۱	۸۶	۲۹۲۰/۱	۱/۹۰۷	
۱۳۶۵	۲۰۱۷	۱۰۹/۹	۲۲/۹	۱۳۲/۸	۳۸۸۲/۲	۲۹/۸۰	۲۶۶۲/۵	۷۵/۳	۲۷۷۷/۸	۷۵/۳	۲۷۷۷/۸	۱/۴۶۷	۱/۸۲۵۵۵
۱۳۶۶	۲۱۶۱	۱۲۱/۸	۲۸/۳	۱۷۰/۱	۳۹۹۰/۹	۲۲/۶۶	۲۹۸۸	۷۸/۷	۳۰۶۶/۸	۷۸/۷	۳۰۶۶/۸	۱/۳۵۷	
۱۳۶۷	۲۲۹۲	۲۳۲/۷	۳۲/۸	۲۶۵/۵	۳۲۲۶/۵	۱۲/۱۵	۲۹۶۴/۹	۷۵/۵	۳۰۴۰/۴	۷۵/۵	۳۰۴۰/۴	۱/۱۲۹	
۱۳۶۸	۵۸۵۹	۱۲۲/۶	۲۶/۹	۱۲۹/۵	۵۷۰۹/۵	۲۹/۱۹	۲۲۲۲/۴	۷۸/۱	۲۳۰۰/۵	۷۸/۱	۲۳۰۰/۵	۱/۸۷۵	
۱۳۶۹	۹۵۷۲	۲۴۱/۵	۲۲/۳	۲۷۳/۸	۹۳۰۰/۲	۲۲/۹۷	۲۷۰۶/۸	۸۳	۲۷۸۹/۸	۸۳	۲۷۸۹/۸	۲/۵۲۶	۱/۷۶۱۱۳
جمع	۸۵۸۲۷	۱۶۶۶۰۹	۲۸۹/۲	۲۰۶۶/۱	۸۳۷۶۰۹	۲۱/۵۲							
سازگین	۵۳۶۴۰/۱۹	۱۰۲/۸۱	۲۲/۳۳	۱۲۹/۱۳	۵۳۳۵۰۰۶	۸۰/۹۹						۱/۹۱۰	
۱۳۷۰	۵۱۰۰۰	۳۴۲/۱۴	۳۰/۵				۲۳۸۵	۸۷/۶				۱/۱۲	

مأخذ: مجله مجلس و پژوهش، شماره‌های ۷ و ۸ و ۹

مشکل دیگر نیروی انسانی در بخش صنعت در ایران، عدم تناسب و ارتباط شغلی می باشد. مدرک تحصیلی ۲۵ درصد از شاغلان در بخش صنعت با شغلشان ارتباط دارد. در مورد ۴۵ درصد از کارکنان صنعت ارتباط مستقیم میان تحصیل و شغلشان وجود ندارد و حدود ۳۰ درصد بقیه نیز محتوای تحصیلاتشان اندکی با شغلشان مرتبط می باشد.

طبق یک برآورد، وضع عرضه و تقاضای نیروی انسانی (رشته های فنی و مهندسی) در پایان برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۷ به صورت زیر خواهد بود:

نیاز صنعت به نیروی انسانی در پایان برنامه دوم		کل فارغ التحصیلان در طول برنامه (۷۲-۷۷)		کمبودها	
کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی	کارشناسی
۲۸۰۰۰۰	۱۹۹۰۰۰	۵۵۰۰۰	۲۹۴۰۰۰	۱۴۴۰۰۰	۱۴۴۰۰۰
نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر

### صنعت و تجارت:

از دیگر مشکلات صنعت ایران وابستگی شدید آن به مواد اولیه و لوازم یدکی خارجی است. در سال ۱۳۶۶، قریب ۱۹/۴ درصد ارزش کل مواد مصرفی کارگاههای صنعتی کشور را مواد اولیه خارجی تشکیل می داده است و صنایع سرمایه ای و بزرگ تا حدود ۷۰ درصد به مواد اولیه خارجی وابستگی داشته اند. در سال ۱۳۶۹ از کل واردات ۱۹/۵ میلیون تنی کشور، حدود ۵/۷ میلیون تن غلات، ۴/۹۷ میلیون تن فلزات و مصنوعات فلزی، ۱/۹ میلیون تن مواد و سوخت های معدنی، ۸۶۰ هزار تن کود، ۶۷۴ هزار تن نمک و گوگرد و سنگ، ۵۹۰ هزار تن انواع چربی، ۵۰۰ هزار تن محصولات شیمیایی و الی، ۴۵۰ میلیون تن مواد پلاستیکی و مصنوعی، ۳۹۳ هزار تن ماشین آلات و دستگاههای مکانیکی و برقی و... بوده است. در طول ۲۰ سال گذشته، حدود ۳۰۰ میلیارد دلار ارزش واردات ایران از خارج بوده است که قریب ۲۰۰ میلیارد دلار آن مربوط به ۱۵ سال اخیر است. نفت همچنان تأمین کننده بخش عمده نیازهای ارزی صنعت کشور به حساب می آید و وابستگی ارزی صنعت به نفت و وابستگی قیمت نفت به نوسانات درآمدهای نفتی و وضع بازارهای بین المللی، آسیب پذیری شدید صنعت ایران را به روشنی نشان می دهد.

از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ بیش از ۹۰ درصد صادرات کشور را نفت خام تشکیل می داده است. ایران در سال ۱۳۶۷ حدود ۸۱۰ میلیون دلار، در سال ۱۳۶۸ قریب ۱۵۸۵ میلیون دلار، در سال ۱۳۶۹ حدود ۱۷۵۸ میلیون دلار و در سال ۱۳۷۰ حدود ۹۰۳۰ میلیون دلار (یعنی بیش از ۹ میلیارد دلار) کسری موازنه تجاری داشته است. جدول های زیر وضع تجارت خارجی ایران در طول سالهای ۷۰-۱۳۶۷ را نشان می دهد.

### تجارت خارجی ایران ۷۰-۱۳۶۷ (ارقام به میلیون دلار و درصد)

اقلام عمده تجارت خارجی ایران		۱۳۶۷		۱۳۶۸		۱۳۶۹		۱۳۷۰	
صادرات:									
نفت خام	۹۶۳۳/۰	۹۰/۳	۱۲۰۳۷۰	۹۲	۱۲۰۳۷۰	۹۲/۹	۱۷۲۴۱/۰	۵۵۰/۲۰	۸۵/۸
فروش میوه های خشک و تازه	۲۵۲/۶	۲/۴	۳۹۹/۱	۲/۶	۳۴۴/۷	۲/۷	۵۰۹/۰	۱۱۲۸/۴	۶/۱
مس	۱۲۴/۳	۱/۳	۱۷/۶	۰/۱	۱۷/۶	۱/۷	۳۲۸/۲	۴۱۲/۸	۲/۹
کلوخه های کانی	۳۲/۸	۰/۳	۲۵/۹	۰/۲	۲۵/۹	۰/۳	۵۰/۵	۵۵/۶	۰/۳
چرم	۷۸/۴	۰/۷	۹۲/۵	۰/۷	۹۲/۵	۰/۳	۶۰/۵	۷۳/۵	۰/۴
سایر	۱۷۶/۲	۱/۶	۱۸۴/۸	۱/۴	۱۸۴/۸	۱/۰	۱۸۰/۹	۷۲۲	۲/۹
کل	۱۰۷۰۹	۱۰۰	۱۳۰۸۱	۱۰۰	۱۳۰۸۱	۱۰۰	۱۸۷۶۸	۱۸۴۱۵	۱۰۰

عمل آمده ولی به تدریج هم ظرفیت های داخلی (امکان سرمایه گذاری) و هم ارز در یافتی و پیش بینی های برنامه انطباق خود با ضرورتها را از دست داده است.

این روند تغییر ارزش افزوده کل صنعت، در بخشهای صنایع سرمایه ای و مصرفی نیز دیده می شود.

### سرمایه انسانی در صنعت ایران:

در جهان علمی و تکنولوژیک امروز، نقش انسان در مجموعه عوامل تولید کالا یا ارائه خدمات از جایگاه خاصی برخوردار شده است. چون قرون گذشته (و حتی دهه های پیشین) دیگر قدرت بازو و کار فیزیکی انسان در فرآیند تولید و ایجاد ارزش افزوده و رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی عامل اصلی تلقی نمی شود بلکه قدرت کیفی (یعنی میزان دانش، مهارت و تواناییهای فکری انسان) نقش عمده را به عهده دارد.

ترقی علمی و فنی و تکامل کیفی منابع انسانی، شرایط تکوین نظری و عملی «سرمایه انسانی» را فراهم نموده است. «سرمایه انسانی» که از طریق برنامه ریزی جامع در زمینه منابع انسانی به دست می آید در حقیقت تواناییهای علمی و قدرت بازتولید انسان در فرآیند تولید کالا و ارائه خدمات است.

در مراکز علمی و تحقیقاتی جهانی، معیارهای کمی (از جمله تولید ناخالص ملی - درآمد سرانه و...) به تنهایی معیار و شاخص توسعه یافتگی یا عقب ماندگی جوامع به حساب نمی آید، بلکه توان کیفی انسان به عنوان مهمترین شاخص محسوب می شود.

از این رو، ویژگیهای سرمایه انسانی (که در مورد ایران صرفاً سطح دانش و تحصیلات کارکنان بخش صنعت در نظر گرفته شده است) در بخش صنعت معیار دقیقی برای بررسی کیفیت تولیدات صنعتی می باشد.

اگر درصد دارندگان تحصیلات متوسطه و عالی را معیار تکوین «سرمایه انسانی» تلقی کنیم، آمار سال ۱۳۶۵ کشور نشان می دهد که در کل صنعت ۱۱/۹ درصد از کارکنان تحصیلات متوسطه و فقط ۱/۷ درصد تحصیلات عالی داشته اند.

در این سال، این نسبتها به ترتیب در بخش معادن ۱۵ درصد و ۳/۷ درصد - در صنعت آب و برق و گاز ۲۸/۸ درصد و ۸/۳ درصد - و در بخش کشاورزی ۲ درصد و ۰/۲ درصد بوده است.

در سال ۱۳۷۲، در مجموع کارگاههای صنعتی کشور ۱۴۳۲۰۰۰ نفر شاغل بوده اند که ۲ درصد آنها مدرک فوق دیپلم و لیسانس، ۰/۲ درصد مدرک فوق لیسانس و دکترا و حدود ۱۰ درصد مدرک دیپلم و بقیه یعنی ۸۷/۸ درصد مدرک پایین تر از دیپلم داشته اند.

در سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۰ میلادی) درصد شاغلان در بخش صنعت در ایران در مقایسه با سایر کشورهای پیشرفته صنعتی به صورت ذیل بوده است:

شاغلان		وضع تخصص و مهارت کارکنان			
صنعت	کارگر ساده	کارگر ماهر	تکنیسین	مهندسان و مدیران	متخصصان و پژوهشگران
کشورهای صنعتی	۳۵٪	۳۰٪	۲۰٪	۱۰٪	۵٪
ایران	۵۷٪	۳۸٪	۲/۸٪	۱/۲٪	—

مواد غذایی و دارو	مواد و محصولات شیمیایی	آهن و فولاد	وسایل حمل و نقل و لوازم صنعتی	سایر	کل	کسری موازنه تجاری
۱۱/۵	۳۱۵۳/۲	۱۱/۵	۲۳۵۸	۱۸	۲۶۳۹/۲	۱۰/۲
۷/۹	۲۱۷۳/۶	۷/۹	۱۶۲۵	۱۰/۳	۱۵۰۶/۹	۸/۲
۱۵	۲۱۰۵/۸	۱۵	۳۰۷۱/۷	۸/۲	۱۲۰۹/۹	۷/۲
۲۴/۵	۷۸۱۶/۳	۲۸/۵	۵۸۴۶/۷	۲۲/۱	۳۳۳۳/۷	۲۲/۸
۳۷/۲	۱۰۱۹۵/۹	۳۷/۱	۷۶۲۲/۶	۴۱/۲	۶۰۷۵/۱	۵۱/۲
۱۰۰	۲۷۲۲۵	۱۰۰	۲۰۵۲۶	۱۰۰	۱۴۶۶۶	۱۰۰
۳۲/۹	۹۰۳۰	۸/۵	۱۷۵۸	۱۰/۸	۱۵۵۵	۷

### سهم نسبی ارزش افزوده گروه‌های صنایع در طول سالهای برنامه اول (درصد)

سال	واسطه‌ای	مصرفی	سرمایه‌ای
۱۳۶۷	۶۷/۶	۲۸/۵	۳/۹
۱۳۶۸	۶۷/۱	۲۹/۱	۳/۸
۱۳۶۹	۶۵/۰	۲۸/۲	۶/۸
۱۳۷۰	۶۳/۸	۲۸/۴	۷/۸
۱۳۷۱	۶۳/۴	۲۹/۷	۶/۹

### جمع‌بندی نهائی

با نگرش کلی به ویژگیهای جامعه ایران، برای رهائی از تنگناهای موجود و تحقق توسعه جامع (در چارچوب سرفصلهای برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، از جمله کاهش عدم تعادل‌های تاریخی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و صنعتی) اقدامات ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

- تدوین استراتژی درون‌زا (متکی به منابع داخلی)؛  
- استوار کردن اهداف استراتژیک کشور برپایه اقتصاد صنعتی ملی با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و تکنولوژیک. در این میان تغییر ساختار صنعت (از صنایع واسطه‌ای و مصرفی به صنایع تولیدی و سرمایه‌ای) و بویژه برنامه‌ریزی به منظور کاهش وابستگی بخش صنعت به خارج (از نظر دانش فنی، بافت تکنولوژی، مواد اولیه و...) ضروری است؛  
- اثربخشی سیاست‌های توسعه، در قالب سازماندهی نظام‌های زیرین امکان‌پذیر خواهد بود:

#### ۱- اصلاح نظام دولتی و سرمایه‌گذاری

- کاهش هزینه‌های بخش دولتی؛  
- اصلاح نظام اداری و اجرائی کشور؛  
- گسترش مشارکت مردم؛  
- ایجاد تسهیلات ضروری برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛  
- کنترل نقدینگی و هدایت برنامه‌ریزی شده آن به مسیر فعالیتهای تولیدی؛  
- گسترش فرهنگ مناسب مصرف؛  
- اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در امور زیربنائی (آب، برق و انرژیهای نوین).

#### ۲- نظام اقتصادی

- تحکیم پایه‌های نوین اقتصاد صنعتی (بربستر علوم و فنون جدید)؛  
- هدایت فرایند تولید به سمت محصولات استراتژیک؛

- برنامه‌ریزی درجهت اشتغال مولد؛

- توسعه صادرات غیر نفتی و تعدیل موازنه بازرگانی؛

- توجه جدی به بخش کشاورزی (بخاطر ضریب افزایش ارزش افزوده آن نسبت به بخش‌های صنعت و خدمات با میزان ارزشبری بسیار پائین (قریب ۷ درصد نیاز ارزی سالانه) و نیز تعداد روستائیان در جامعه و سایر امتیازات بخش کشاورزی)؛

#### ۳- نظام نوین توسعه منابع انسانی و مدیریت

- تدوین استراتژی برنامه‌ریزی منابع انسانی (در سطح ملی، منطقه‌ای و سازمانی) درجهت توسعه آن از طریق رفع نیازمندیهای مادی و تکامل روحی و تبلور استعدادها و قابلیت‌های جمعیت فعال. رفع پدیده بیکاری، ترقی علمی، فنی و تکوین سرمایه انسانی به عنوان مهمترین عامل ارتقای بهره‌وری؛

- پایه‌ریزی نظام نوین مدیریت و سرپرستی (برپایه ظرفیت‌های کارکنان)؛

- برنامه‌ریزی ملی درجهت بهبود و ارتقای بهره‌وری در عرصه‌های مختلف.

#### ۴- نظام جامع منابع اطلاعاتی ملی

نظربه اینکه عصر کنونی عصر تکنولوژی - اطلاعات است، لذا پایه‌ریزی نظام منابع اطلاعاتی جامع به عنوان اساس کلیه برنامه‌ریزی‌های استراتژیک ملی از اهمیت بنیادین برخوردار می‌باشد. بدیهی است چنین نظامی باید از پیشرفته‌ترین نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای تکنولوژیک در جهت پردازش داده‌ها و اطلاعات بهره‌مند باشد. در عین حال ایجاد شاخه‌های منطقه‌ای و بخشی و سازمانی مدیریت منابع اطلاعاتی به مثابه زیرسیستم‌های نظام جامع منابع اطلاعاتی ملی از اولویت و حساسیت خاصی برخوردار است. ■□

#### ●● منابع و مآخذ:

- ۱) دکتر سیاوش گلابی - اصول و مبانی جامعه‌شناسی - نشر میترا - ۱۳۷۳.
- ۲) دکتر محمود متوسلی - نیروی انسانی و توسعه اقتصادی - مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی - ۱۳۷۰.
- ۳) دکتر سیاوش گلابی - سازمان، مدیریت و توسعه منابع انسانی - نشر فردوس - ۱۳۶۹.
- ۴) دکتر عبدالناصر همتی - مشکلات اقتصادی جهان سوم - انتشارات سروش - ۱۳۶۶.
- ۵) دکتر محمد نقی شهیدی - انتقال تکنولوژی و صنعتی کردن جهان سوم - دانشگاه تهران - ۱۳۷۱.
- ۶) دکتر محمد حسین سلیمی - کایزن (کلید موفقیت رقابتی ژاپن - دانشگاه امیرکبیر - ۱۳۷۳).
- ۷) دکتر مهدی فرشاد - نگرش سیستمی - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۶۹.
- ۸) دکتر نوازشریف - مدیریت انتقال تکنولوژی و توسعه - ترجمه رشید اصلانی سازمان برنامه‌بودجه.
- ۹) دکتر ابراهیم رزاقی - الگونی برای توسعه ایران - نشر توسعه - ۱۳۷۲.
- ۱۰) جواد موسوی خوزستانی - تحول عصر - نشر توسعه - ۱۳۶۹.

#### آمار و ارقام از مدارك ذیل گرفته شده است:

- ۱۱) ایران در آئینه آمار - شماره ۱۱ - مرکز آمار ایران - ۱۳۷۲.
- ۱۲) آمارهای منتخب جهان - شماره ۵ - مرکز آمار ایران - ۱۳۷۱.
- ۱۳) آمارهای منتخب آسیا و اقیانوسیه - شماره ۵ - ۱۹۹۱ - تاریخ انتشار ۱۳۷۱.
- ۱۴) مجله «اطلاعات سیاسی - اقتصادی» شماره‌های ۶۹ الی ۸۴ - انتشارت سالهای ۱۳۷۲-۱۳۷۳.
- ۱۵) مجله «مجلس و پژوهش» - شماره‌های ۸، ۷ و ۹ - سال ۱۳۷۳.
- ۱۶) مجله «تازه‌های اقتصاد» - شماره‌های مختلف - سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۷۳.